



علامه محمدتقی مجلسی اصفهانی

محمد تقی در سال ۱۰۰۳ ق. در [اصفهان](#)، پایتخت [صفویه](#)، چشم به دنیا گشود.

فهرست مندرجات

- ۱- کودکی
- ۲- تحصیل
- ۳- هجرت به نجف
- ۴- بازگشت به اصفهان
- ۵- به سوی حدیث
- ۶- پرکزی تدریس
- ۷- اساتید
- ۸- شاگردان
- ۹- وفات
- ۱۰- پانویس
- ۱۱- منبع

کودکی

مولا علی مجلسی از همان او ان کودکی محمد تقی، اعتقادات و میانی دینی را به او تعلیم می‌داد؛ از خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله، از [معاد](#) و [دوزخ](#) و [بهشت](#) برایش سخن می‌گفت. [نماز](#) را به او آموخته بود و او را به همراه خود به مجالس مذهبی می‌برد. محمد تقی نیز به دین و مسائل دینی علاقه نشان می‌داد و آن گونه که خود نقل کرده است کودکان را با [آیت قرآن](#) و [روایات](#)، به انجام کارهای خوب و ترک کارهای زشت فرا می‌خواند. برای همین در حلقه بازی کودکان رفتار او بیشتر به بزرگان می‌نمود تا کودکان. این صفای روحی و علاقه مذهبی بعدها در شخصیت و زندگی او تجلیات بارزتری یافت و محمد تقی را در راه تحصیل علوم و [معارف الهی](#) قرار داد. وجود علم بزرگی چون [درویش محمد عاملی](#)، پدر بزرگ مدبری او در میان بستگان محمد تقی در شوق او به تحصیل [معارف اسلامی](#) نقش بسیاری داشت و نیز وجود بزرگانی چون [حافظ ابو نعیم اصفهانی](#) (متوفای ۴۰۳ ق.) در بین نیکان او همت و علاقه او را به قدم نهادن در راه آنان می‌افزود. می‌توان گفت نخستین کلاس درس او خانه بود. چرا که در خانواده‌های فرهیخته و دوسندار علم رشد می‌یافت.

تحصیل

گلهای بعدی تحصیل و دانش را تحت نظر پدرش استوارتر برداشت و پس از آن با استادان بزرگ حوزه [اصفهان](#) آشنا شد و به راهنمایی پدرش به درس [علامه مولا عبدالله شوشتری](#) (یکی از علمای بزرگ حوزه [اصفهان](#)) راه یافت. [علامه مولا عبدالله شوشتری](#) از تربیت یافتگان [حوزه نجف](#) بود که پس از طی مراحل عالی علمی به [اصفهان](#) مهاجرت و در آنجا اقامت کرده بود. محمد تقی سالها همراه این استاد بود و [فقه](#)، [حدیث](#)، [اصول فقه](#)، [کلام](#) و [تفسیر](#) را نزد وی آموخت و تحصیل [علم حدیث](#) و [روایت](#) را بیشتر مبنی بر او بود. خود سالها بعد در این باره می‌نویسد: «او بزرگ استاد ما و بزرگ استاد شیعه در عصر خویش بود. وی علامه‌ای محقق و دقیق و زاهدی عابد و با ورع بود. بیشتر مطالب این کتاب ([روضه المتقین](#) که کتابی روایی است) از افادات او است ...» می‌توان گفت که نشر [فقه](#) و [حدیث](#) در آن دوران در [اصفهان](#) به وسیله او صورت گرفت. [۱] روضه المتقین، محمد تقی مجلسی، ج ۱۴، ص ۳۸۲.

پس از وفات استاد در سال ۱۰۲۱ ق. نزد فرزند او [مولا حسنعلی شوشتری](#)، که او نیز از علمای برجسته و استاد بسیاری از مشاهیر [حوزه اصفهان](#) بود، به تحصیل پرداخت. همزمان دوران تحصیل نزد [علامه عبدالله شوشتری](#) به درس دانشور دیگری راه یافت و در نفس و وجود خویش سفری را آغاز نمود. این سیر انفسی به راهنمایی سالک و عارفی وارسته، [فقیه](#) و [محدث](#) بزرگ «[شیخ بهایی](#)» آغاز شد. از سالهای آغازین تحصیل، نسبت به [عرفان](#) جذبه‌ای شدید در محمد تقی وجود داشت. حس می‌کرد که فقه اصول و علوم متداول مدرسه‌ای عطش جانش را فرو نمی‌نشانند. شاید در سنین بلوغ این احساس در او شکل گرفته بود، اما همان‌گونه که مقتضای این سنین است آن احساس مبهم و درک خام را نمی‌توانست برای خود تبیین کند و با دیگران به وضوح دربارش سخن بگوید. اما اینکه «چه کند و از کجا آغاز کند؟» برای او به مراتب مجهولتر بود. ولی پس از آشنایی با شیخ بهایی و حضور در درس وی گمشده خود را یافت. [په‌اء الدین محمد عاملی](#)، معروف به [شیخ بهایی](#) در آن زمان از اساتید شاخص و برجسته [حوزه اصفهان](#) به شمار می‌رفت. جامعیت او در علوم مختلف شگفت‌آور بود، به طوری که بر بیشتر علوم متداول تسلط داشت و در آنها صاحب تالیف بود. مجلسی بعدها در باره این استادش می‌نویسد: «او بلند مرتبه و والا مقام بود و حافظه‌ای سرشار داشت. من کسی را مانند او در کثرت علوم و وفور فضل و بلندی مرتبه ندیده‌ام.»

تواضع و آزاد منشی او در برابر شاگردان خویش، حتی کسانی چون محمد تقی جوان، بر جذابیت و محبوبیت او نزد محمد تقی افزوده بود. محمد تقی مجلسی خود نقل می‌کند آن هنگام که هنوز **بالغ** نشده بود در درس شیخ بر او اشکالی علمی وارد کرد و شیخ نیز پس از آنکه گفتار محمد تقی را حق یافت از نظر خود دست برداشت و آن سخن را تأیید کرد. [2] **روضه المتقین**، ج ۱۴، ص ۴۰۴.

آنچه که محمد تقی مجلسی را بیش از همه مجذوب **شیخ بهایی** کرده بود، علاوه بر تسلط او بر **علوم شرعی**، **سیر و سلوک روحانی** و **زهد و قناعت آن عارف** و **فقیه** پرآوازه بود. از این رو همراهی محمد تقی مجلسی با شیخ از ابتدای دوران تحصیل - از سنین نوجوانی - تا اواخر عمر شیخ ادامه داشت.

هجرت به نجف

سال ۱۳۰۴ ق. آنگاه که سی و یک بهار از عمر مجلسی می‌گذشت فصل دیگری در زندگی او باید آغاز می‌شد؛ فصل استقلال علمی، و ثمر دادن. اما او در آن سالها سودای دیگری در سر داشت؛ سودای خلوت گزین و **سیر و سلوک**. از نظر او هنوز راه بسیاری مانده بود که باید طی می‌شد. سفری از خویش و در نوردین خود و خواسته‌های لجام گسیخته خود. عزم مجلسی بر چنین سفری بود. گرچه از سالها قبل این سفر برای وی آغاز شده بود اما گویی سفر به **نجف**، که سفری در بعد مکانی بود، به سیر روحی او گستره تازه‌ای می‌داد. اکنون محمد تقی در کنار بارگاه سید اوصیا و پدر انمه - علیهم السلام - از عنایتهای آن بزرگ بهره‌مند می‌شد. خود درباره آن دوران می‌گوید: «در حوالی روضه مقس - در مقام مهدی (عج) - شروع به مجاهده نفس نمودم و خداوند به برکت مولای ما - که دروهای خدا بر او باد - بیهای مکاشفه را که عقلهای ضعیف تحمل آن را ندارند، بر روی من گشود».

[3] **بحار الانوار**، ج ۱۰۲، ص ۱۱۳.

در آن دوران خوش و وجدآور که ورای خوشی و نشاطهای مادی است، مجلسی درس و بحث و قلم را کنار نگذاشت؛ چرا که کلام معصوم را چیزی خارج از آن حیطه و بی‌ارتباط با آن نمی‌دانست. در نجف از «سید شرف الدین علی شولستانی» از علما و محدثان بزرگ حوزه نجف، بهره‌برد و در ۳۳ سالگی به کسب اجازه از او نائل شد. این اجازه نامه در بحار الانوار آمده است.

[4] **بحار الانوار**، ج ۱۰۷، ص ۳۲-۳۷.

بازگشت به اصفهان

دوران اقامت مجلسی در **نجف** را باید حد فاصل دو مرحله متمایز زنگانی او دانست. در پایان این دوران، او همتی فراتر از خود یافته بود و می‌خواست که رسالت خود را در هدایت و ارشاد مردم نیز به انجام برساند. اکنون رویای صادق، که یکی از راههای الهام از عالم غیب به انسان است، برای او راه می‌گشود. در خواب **علی** - علیه السلام - را دید که به او می‌فرمود تا به **اصفهان** برگردد اما او اصرار فراوانی می‌کرد که حضرت اجازه دهد در جوار بارگاهش اقامت داشته باشد. امام - علیه السلام - فرمود که وجود او در **اصفهان** برای هدایت مردم مفیدتر است. پس از آن مجلسی به **اصفهان** بازگشت و به تألیف و تدریس مشغول شد. از خدمت علمی در این دوران نوشتن شرحی بر **صحیفه سجاده** بود. «وی در مقابله و تصحیح و نشر صحیفه تلاش بسیاری کرد و در اثر اهتمام او به این امر صحیفه سجاده در میان مردم شناخته شد و از هجران و فراموشی بیرون آمد».

[5] **روضت الجنات**، محمد باقر خوانساری، ج ۲، ص ۱۱۹.

به سوی حدیث

احادیث و **گفتار معصومین** - علیه السلام - برای محمد تقی مجلسی ارزشی والا و بی‌حساب داشت. چرا که او **تهذیب نفس** و رشد و ارتقای روحی را که برنامه زندگی‌اش بود، با راهنمایی و هدایت **معصومین** - علیهم السلام - میسر می‌دانست و معتقد بود که **سیر و سلوک** صوفی مآبانه‌ای که بدون هدایت و حب اهل بیت صورت گیرد رساننده به **حق تعالی** و مقرب به ذات احدی نیست. از سوی دیگر او در آداب و اعمالی که در **سیر و سلوک روحی** باید مراعات شود، سخت پای‌بند به پیروی از دستورها و **احکام دینی** بود. او اعتقاد داشت که «با **فقه** است که سعادت ابدی و کمالات همیشگی حاصل می‌گردد». (اجازه نامه ملا محمد تقی مجلسی به فرزندش محمد باقر مجلسی).

[6] **قصص العلماء**، میرزا محمد تنکابنی، ص ۲۱۴.

بیشتر تصمیم داشت که به شرح و **تفسیر روایات معصومین** - علیهم السلام - بپردازد. لیکن چون کاری عظیم بود، در خود این جرأت را نمی‌یافت. [7] **روضه المتقین**، ج ۱۴، ص ۴۳۴.

تا اینکه زمانی به بیماری سختی دچار شد به طوری که تا چند قومی مرگ رفت. در بستر همان بیماری رویاهایی چند دید که از یافتن زندگی دوباره و شروع مرحله‌ای جدید در زندگی‌اش حکایت می‌کرد. از آنجا که مجلسی از سالهای نخست، عمرش را با **تهذیب نفس**، صفای قلب و **خلوص نیت** سپری کرده بود، **روایات صلیق** بسیاری برایش رخ می‌داد و با این **الهام غیبی**، که در بیان **انمه** - علیهم السلام - جزئی از نبوت شمرده شده، در طول زندگی خود راه می‌گشود. مجلسی در **رویا** به دست **انمه** - علیهم السلام - شفا یافت و در رویایی دیگر از غذا و **میوه‌های بهشتی** که **رسول خدا** صلی الله علیه و آله - برایش فرستاده بود، خورد. خود می‌گوید: «پس از آنکه از خواب بیدار شدم آن را به **علم تعبیر** کردم. گویی به قلب **الهام** شده بود که به شرح و **تفسیر حدیث** بپردازم. پس به این امر مشغول شدم».

[8] **روضه المتقین**، ج ۱۴، ص ۴۳۴-۴۳۵.

از آن زمان تألیف پیرامون **حدیث** و **کتب روایی** در زندگی ملا محمد تقی مجلسی آغاز شد و تا پایان عمر همچون شاخصی پراج در فعالیت‌های علمی‌اش، ادامه یافت. تألیفاتی چون «اربعین» (چهل حدیث از معصومین - علیهم السلام -)، «شرح زیارت جامعه»، «شرح حدیث همام» به زبان فارسی، «الاحیاء الاحادیث» که شرحی است ناتمام بر کتب **تهذیب الاحکام**، تألیف **شیخ طوسی** و از آخرین تألیفات آن محدث گرانقدر بوده و اجل مهلت اتمام آن را به او نداده است، «**لواعص الصالحین**» که شرحی است فارسی بر «**من لا یحضره الفقیه**» تألیف **شیخ صدوق** و «**روضه المتقین**» که شرحی است بر کتب «**من لا یحضره الفقیه**».

بر کرسی تدریس

از سال ۱۰۴۰ ق. به بعد، نسل جدیدی از علما در **حوزه اصفهان** ظهور کردند. بزرگانی چون **شیخ بهایی** (متوفی ۱۰۳۰ ق.) و **میرداماد** (متوفی ۱۰۴۱ ق.) در کهبولت در گذشته بودند

و کچم نسل دیگری از **فقیها** جای آنها را می‌گرفتند. ملا محمد تقی مجلسی از زمره آنان بود. مجلسی در آن دوران از مدرسان ممتاز **حدیث** و **فقه** در **حوزه اصفهان** به شمار می‌رفت و به تدریس **اصول**، **فقه**، **تفسیر**، **کلام** و **رجال** اشتغال داشت. این مطلب از چند اجاز نامه که برای تقی چند از شاگردانش صادر کرده، معلوم است.

[۱۰] بحار الانوار، ج ۱۰۷. اجاز نامه‌های محمد تقی مجلسی.

[۱۱] روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۲۳.

او هر روز در **مسجد جامع اصفهان** به تدریس پرداخته، جمع زیادی از دانش پژوهان و طالبان **علوم اهل بیت** - علیهم السلام - در محضر درسش حاضر می‌شدند.

اساتید

شیخ بهایی،
میر فندر سکی،
قاضی ابوالسور،
امیر اسحاق استرآبادی،
شیخ عبدالله بن جابر عاملی (پسر عمه‌اش)،
ملا محمد قاسم عاملی (دایی‌اش)

شاگردان

علامه محمد باقر مجلسی،
سید عبدالحسین خاتون آبادی،
محقق خوانساری،
سید نعمت الله جزایری،
ملا میرزای شیروانی،
ملا محمد صالح مازندرانی،
ملا محمد صادق کرباسی،
سید شرف الدین علی گلستانه،
ملا عزیز الله و ملا عبدالله مجلسی،
میرزا ابراهیم اردکانی یزدی،
مولا ابوالقاسم بن محمد گلپایگانی،
بدر الدین بن احمد عاملی،
میرزا تاج الدین گلستانه.

فهرست نام آنان و تاریخ اخذ اجاز نامه‌ها در کتاب زندگینامه علامه مجلسی، سید مصلح الدین مهدوی به طور تفصیلی آمده است.

[۱۲] زندگینامه علامه مجلسی، سید مصلح الدین مهدوی، ج ۲، ص ۳۸۸.

وفات

فقیه و محدث گرانقدر، ملا محمد تقی مجلسی در یازدهم **شعبان** سال ۱۰۷۰ ق. در **اصفهان** رحلت نمود و پیکرش در همان شهر به خاک سپرده شد.

[۱۳] جامع الرواه، محمد بن علی اردبیلی، ج ۲، ص ۸۲.

پانویس

۱. **↑** روضه المتقین، محمد تقی مجلسی، ج ۱۴، ص ۳۸۲.
۲. **↑** بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.
۳. **↑** روضه المتقین، ج ۱۴، ص ۴۰۴.
۴. **↑** بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۳.
۵. **↑** بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۳۲-۳۷.
۶. **↑** روضات الجنات، محمد باقر خوانساری، ج ۲، ص ۱۱۹.
۷. **↑** قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، ص ۲۱۴.
۸. **↑** روضه المتقین، ج ۱۴، ص ۴۳۴.
۹. **↑** روضه المتقین، ج ۱۴، ص ۴۳۴-۴۳۵.
۱۰. **↑** بحار الانوار، ج ۱۰۷. اجاز نامه‌های محمد تقی مجلسی.
۱۱. **↑** روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۲۳.
۱۲. **↑** زندگینامه علامه مجلسی، سید مصلح الدین مهدوی، ج ۲، ص ۳۸۸.

